

هو الحق

نور چه گفت؟

ترجمه خطبه فدكيه

حضرت زهراء سلام الله عليها

بسم الله الرحمن الرحيم

وقتی خلیفه اول و دوم تصمیم قطعی گرفتند که فدک^۱ را به فاطمه زهراء عليها السلام ندهند و این خبر به حضرت رسید، مقنعه پوشید و چادر بر سر کرد، چادری بلند که قدمهای او را نیز می پوشاند و با عدهای از اطرافیان خود و زنان قریبش به سوی مسجد مدینه حرکت کرد در حالیکه راه رفتن او، یادآور راه رفتن رسول خدا صلی الله علیه و آله بود،

فدک چیست؟

فدک دهکده ای در شمال مدینه بود که تا آن شهر دو روز راه فاصله داشت. در سال هفتم هجرت، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای سرکوبی یهودیان خیبر که علاوه بر پناه دادن به یهودیان توطئه گر، از مدینه به توطئه و تحریک قبایل مختلف علیه اسلام مشغول بودند، سپاهی به آن سمت گسیل داشت و پس از چند روز محاصره دژهای آن راتصرف کرد. پس از پیروزی کامل سپاه اسلام - با آن که اختیار اموال و جان های شکست خوردگان همگی در دست پیامبر صلی الله علیه و آله قرار داشت - رسول خدا به آن ها اجازه داد نصف خیبر را در اختیار داشته باشند و نصف دیگر مال مسلمانان باشد. بدین ترتیب، یهودیان در سرزمین خود باقی ماندند تا هر ساله نصف درآمد خیبر را به مدینه ارسال دارند. با شنیدن خبر پیروزی سپاه اسلام، فدکیان که خود را همدست خیبریان می دیدند، به هراس افتادند؛ اما وقتی خبر برخورد بزرگوارانه پیامبر صلی الله علیه و آله با خیبریان را شنیدند، شادمان شدند و از رسول خدا خواستند با آنان همانند خیبریان رفتار کند. پیامبر خدا این درخواست را پذیرفت.

این دو سرزمین حکم همسان ندارند زیرا مناطقی که به دست مسلمانان تسخیر می شدند، دو گونه بودند:

۱. مکان های که با جنگ و نیروی نظامی گشوده می شود. این سرزمین ها که در اصطلاح «مفتوح عنوه» (گشوده شده با قهر و سلطه) خوانده می شود، به عنوان غنیمت جنگجویان مسلمان در اختیار مسلمانان قرار می گیرد و رهبر جامعه اسلامی چگونگی تقسیم یا بهره برداری از آن را مشخص می سازد. منطقه خیبر این گونه بود.

۲. مکان هایی که با صلح گشوده می شود؛ یعنی مردم منطقه ای با پیمان صلح خود را تسلیم می کنند و دروازه های خود را به روی مسلمانان می گشایند. قرآن کریم اختیار این نوع سرزمین ها را تنها به رسول خدا صلی الله علیه و آله سپرده است و مسلمانان در آن هیچ حقی ندارند.

فدک این گونه فتح شد . بنابراین، ملک رسول خدا گشت . طبری مورخ بزرگ می گوید: «و کانت فدک خالصه لرسول الله صلی الله علیه و اله لانهم لم یجلبوا علیها بخیل و لا رکاب. یعنی: فدک ملک خالص پیامبر خدا صلی الله علیه و اله بود . زیرا مسلمانان آن را با سواره نظام و پیاده نظام نگشودند.

اختلاف حضرت زهرا (سلام الله علیها) با حکومت بر سر فدک چگونه بود؟

حضرت زهرا (سلام الله علیها) فدک را ملک خود می دانست و برای اثبات مالکیت خود دو راه را به صورت طولی پیمودند، این دو راه عبارت بودند از اثبات بخشش و اثبات ارث.

عمده منابع شیعی و نیز منابع متعدد اهل سنت این نکته را بیان می کنند که نیمی از فدک در سال هفتم هجری به ملکیت شخص پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله درآمد و پیامبر صلی الله علیه و اله طبق آیه «و آت ذالقربی حقه آن را به حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) بخشیدند.

حضرت فاطمه (سلام الله علیها) پس از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله برای اثبات این ادعا حضرت علی (علیه السلام) و "ام ایمن" را گواه قرار داد . حکومت سخن حضرت زهرا (سلام الله علیها) را نپذیرفت و باین بهانه که اولاً حضرت علی (علیه السلام) در این گواهی صاحب نفع است و ثانیاً حتی اگر شهادت علی (علیه السلام) پذیرفته شود در اثبات امور مالی گواهی دو مرد یا یک مرد و دو زن لازم است.

اما این سخنان از نظر قوانین و سنت اسلامی مردود است؛ زیرا:

۱. ادر آن زمان فدک در دست حضرت فاطمه (سلام الله علیها) بود . در آیین دادرسی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله شاهد آوردن وظیفه مدعی و سوگند خوردن وظیفه منکر است . پس حضرت منکر به شمار می آمد و باید سوگند می خورد دیگری در این ملک حقی ندارد.

۲. با توجه به آیه تطهیر که مفسران شیعه و سنی شان نزول آن را درباره اهل بیت پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می دانند، اهل بیت آن حضرت (علیه السلام) از هر گونه رجس و پلیدی دورند؛ و بدیهی است که مصداق این آیه نمی تواند ادعای نادرست مطرح کند.

۳. محدثان شیعه و سنی بر این نکته اتفاق دارند که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله درباره حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) فرمود: «ان الله یغضب لغضبها و یرضی لرضاهها؛ خداوند برای خشم فاطمه خشمگین و برای خشنودی اش خشنود می شود .» این جمله که حکومتگران نیز آن را شنیده بودند، نشان می دهد فاطمه (سلام الله علیها) در همه شؤون زندگانی اش جز در مسیر خداوند گام بر نمی دارد و بی تردید چنین فردی هرگز ادعای دروغ بر زبان نمی راند.

۴. شاهد ادعاهای حضرت زهرا (سلام الله علیها) شخصیتی مانند علی (علیه السلام) است که با آیاتی چون «آیه ولایت» و آیه تطهیر تایید گردیده و در آیه مباحله به منزله نفس پیامبر صلی الله علیه و اله مطرح شده است . افزون بر این، با بیش ترین تاییدات

از سوی پیامبر صلی الله علیه و اله روبه رو است . تنها حدیث «علی مع الحق و الحق مع علی یدور حیث مادر؛ علی با حق است و حق با علی است و حق بر محور علی می گردد.» برای اثبات درستی گفتار و کردارش کافی است.

. ۵۰ در میان اصحاب پیامبر خدا صلی الله علیه و اله به نام خزیمه بن ثابت می خوریم که به جهت شدت ایمانش پیامبر صلی الله علیه و اله او را به لقب «ذوالشهادتین» مفتخر کرد و گواهی اش را با گواهی دو شاهد برابر شمرد . اگر پیامبر صلی الله علیه و اله شهادت چنین شخصی را در همه موارد با گواهی دو شاهد برابر دانست، چرا حاکم پس از او نمی تواند گواهی حضرت علی (علیه السلام) را که به مراتب از «خزیمه» برتر است، با شهادت دو شاهد برابر بداند؟

پس از آن که حکومت شهادت گواهان حضرت (سلام الله علیها) را نپذیرفت، حضرت زهرا (سلام الله علیها) از راه دیگر وارد شد و از حکومت خواست میراث پدرش را که فدک نیز بخشی از آن است، به او واگذار کند و در این مورد به نص آیه قرآن درباره ارث متمسک شد: «یوصیکم الله فی الولادکم للذکر مثل حظ الانثیین . . .» خداوند به شمار درباره [ارث] فرزندان سفارش می کند که سهم پسر دو برابر دختر است

ظاهر این آیه عام است و انبیا و غیر انبیا را شامل می شود . ابوبکر در برابر این آیه چنان استدلال کرد که انبیا از خود ارث باقی نمی گذارند . حضرت زهرا (سلام الله علیها) فرمود: چگونه است که هر گاه تو درگذشتی فرزندان از تو ارث می برند؛ اما ما از رسول خدا صلی الله علیه و اله ارث نمی بریم؟! آن گاه به آیات دیگر قرآن که در موارد مختلف از ارث پیامبران گذشته سخن به میان آورده است، تمسک جست؛ مانند آیه ششم سوره مریم و آیه شانزدهم سوره نمل . در آیه ششم سوره مریم، حضرت زکریا بیان می دارد که «خداوندا، من از خویشانم که پس از من وارثانم خواهند شد، بیمناکم . . . پس فرزندی به من عطا کن که از من و آل یعقوب ارث برد.» در آیه شانزدهم سوره نمل از ارث بردن سلیمان پیامبر، از پدرش داوود پیامبر سخن به میان آمده است .

حکومت در مقابل حضرت (سلام الله علیها) دو ادعا مطرح کرد: ادعای صدقه بودن فدک و ادعای نفی ارث پیامبران یعنی این که پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله فدک را به کسی نبخشید و با آن به گونه صدقه جاریه برخورد کرد؛ یعنی رسول خدا صلی الله علیه و اله از درآمد فدک زندگانی شخصی حضرت فاطمه زهرا (سلام الله علیها) و دیگر بنی هاشم را تامین می کرد و مازاد آن را در راه خدا به مصرف می رساند

از آن جا که ابوبکر خود را جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله می دانست، می خواست با در اختیار گرفتن فدک، این مشروعیت ادعایی را برای همگان به اثبات برساند و چنان اعتقاد داشت که چشم پوشی از این زمین نوعی خلل در مشروعیت حکومتش پدید می آورد.

این ادعا با چالش های زیر روبه رو است:

. ۱ ظاهر آیه هفتم سوره حشر که قبلا به آن اشاره شد، آن است که این سرزمین از سوی خداوند ملک پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله قرار گرفت.

وارد مسجد شد، ابوبکر با عده‌ای از مهاجرین و انصار و دیگر مردم نشسته بودند،

۲. روایات شیعه و سنی بر این نکته تصریح دارند که بانزول آیه «و آت ذالقربی حقه» پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله این زمین را به صورت بخشش به فاطمه زهرا (سلام الله علیها) واگذار کرد.

۳. حتی اگر بپذیریم این ملک در زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله صدقه بود، لزوماً معنای آن این نیست که حکومت جانشین پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله سرپرست این صدقه خواهد بود؛ زیرا ممکن است آن را صدقه ای خانوادگی و در اصطلاح نوعی وقف خاص بدانیم که متولی آن افرادی از خود آن خاندانند. چنان که طبق بعضی از گزارش های اهل سنت، عمر در زمان حکومت خود فدک را به حضرت علی (علیه السلام) و عباس واگذار کرد تا خود در میان خود همانند پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله با این سرزمین رفتار کنند.

در ادعای نفی ارث از پیامبران، ابوبکر آن را از پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله چنین نقل کرد: «انا معاشر الانبیاء لانورث ما ترکناه صدقه؛ ما جماعت پیامبران از خود ارث باقی نمی گذاریم. هر چه از ما ماند، صدقه است. درباره این حدیث باید یادآور شد: ۱. تا آن زمان این حدیث را جز ابوبکر هیچ کس نشنیده بود. بسیاری از محدثان نیز بر این نکته اتفاق نظر دارند که راوی این حدیث تنها ابوبکر بود.

۲. ابوبکر با نقل این حدیث ناقل سخن پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله بود و در طرف مقابل، حضرت فاطمه (سلام الله علیها) و حضرت علی (علیه السلام) و ام ایمن ناقل سخن و کردار پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله مبنی بر بخشش فدک بودند. بدیهی است باتوجه به فزونی شمار ناقلان در این سمت و نیز شخصیت آن ها که بیش ترین تاییدات را از سوی پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله دارايند، باید قول آن ها بر قول ابوبکر مقدم شود.

۳. این حدیث با آیات متعددی از قرآن که در آن میراث انبیا مطرح شده است، منافات دارد و بدیهی است نمی توان تنها با یک حدیث در مقابل این آیات صریح ایستادگی کرد.

۴. اگر طبق این حدیث معتقد شویم پیامبر اکرم صلی الله علیه و اله هیچ گونه مالی به ارث نگذاشت، چگونه است که طبق نقل اهل سنت بعضی از اموال آن حضرت صلی الله علیه و اله مانند وسایل شخصی و نیز حجره های آن حضرت صلی الله علیه و اله به ارث می رسید؟!!

(برای ملاحظه منابع مطالب فوق و مطالعه بیشتر به کتاب فدک در تاریخ تالیف آیت الله شهید سیدمحمدباقر صدر مراجعه شود.)

پرده ای بین آن حضرت و دیگران آویزان کردند، حضرت زهراء سلام الله عليها نشست، آهی کشید که چشمان مردم را پر از اشک کرد، مجلس منقلب شد و مدتی طول کشید، حضرت سکوتی کردند تا مجلس آرام شود و هیجانها فروکش کند، شروع به سخن کرد و تا حمد و ثنای الهی را به جای آورد و بر رسولش درود فرستاد، دوباره مردم گریه را آغاز کردند. وقتی گریه‌ها تمام شد و سکوت برقرار گردید، حضرت رشته کلام را دوباره به دست گرفت و این چنین فرمود: ^۲

^۲ متن خطبه: (بحار الانوار، ج ۲۹، ص ۲۲۱)

أَنَّهُ لَمَّا أَجْمَعَ أَبُو بَكْرٍ عَلَى مَنَعِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَدَكَ، وَ بَلَغَهَا ذَلِكَ لَاتٍ [لَأْتَتْ] خِمَارَهَا عَلَى رَأْسِهَا وَ اسْتَمَلَتْ بِجِلْبَابِهَا وَ أَقْبَلَتْ فِي لَمَّةٍ مِنْ حَفَدَتِهَا وَ نِسَاءِ قَوْمِهَا تَطَأُ ذُبُولَهَا، مَا تَخْرِمُ مِشْيَتَهَا مِشْيَةَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ حَتَّى دَخَلَتْ عَلَى أَبِي بَكْرٍ وَ هُوَ فِي حَشْدٍ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَ الْأَنْصَارِ وَ غَيْرِهِمْ فَنَيْطَتْ دُونَهَا مَلَاءَةً، فَجَلَسَتْ ثُمَّ أَتَتْ أَنَّهُ أَجْهَشَ الْقَوْمَ لَهَا بِالْبُكَاءِ، فَارْتَجَّ الْمَجْلِسُ، ثُمَّ أَمَهَلَتْ هُنَيْئَةً حَتَّى إِذَا سَكَنَ نَشِيخُ الْقَوْمِ وَ هَدَأَتْ فَوْرَتُهُمْ، افْتَتَحَتِ الْكَلَامَ بِحَمْدِ اللَّهِ وَ الثَّنَاءِ عَلَيْهِ وَ الصَّلَاةِ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عَائِلَتِهِ فِي بُكَائِهِمْ فَلَمَّا أَمْسَكُوا عَادَتْ فِي كَلَامِهَا فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ:

الْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَنْعَمَ، وَ لَهُ الشُّكْرُ عَلَى مَا أَلْهَمَ، وَ الثَّنَاءُ بِمَا قَدَّمَ مِنْ عُمومٍ نِعَمٍ ابْتَدَأَهَا، وَ سُبُوغِ آلاءِ أَسْدَأَهَا، وَ تَمَامِ مَنَنِ وَالِاهِ جَمِّ عَنِ الْإِحْصَاءِ عَدَدُهَا، وَ نَأْيِ عَنِ الْجَزَاءِ أَمْدُهَا، وَ تَفَاوَتِ عَنِ الْأِدْرَاكِ أَبْدُهَا، وَ نَدْبِهِمْ لِاسْتِرَادَتِهَا بِالشُّكْرِ لِاتِّصَالِهَا، وَ اسْتِحْمَدِ إِلَى الْخَلَائِقِ بِإِجْزَالِهَا، وَ ثَنَى بِالنَّدْبِ إِلَى أَمْثَالِهَا، وَ أَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، كَلِمَةٌ جَعَلَ الْإِخْلَاصَ تَأْوِيلَهَا، وَ ضَمَّنَ الْقُلُوبَ مَوْصُولَهَا، وَ أَنْارَ فِي الْفِكْرَةِ مَعْقُولَهَا، الْمُتَمَنِّعُ مِنَ الْأَبْصَارِ رُؤْيَتَهُ، وَ مِنَ الْأَلْسُنِ صِفَتَهُ، وَ مِنَ الْأَوْهَامِ كَيْفِيَّتَهُ، ابْتَدَعَ الْأَشْيَاءَ لَا مِنْ شَيْءٍ كَانَ قَبْلَهَا، وَ أَنْشَأَهَا بَلَا اخْتِدَاءٍ أَمْثَلَهُ امْتَثَلَهَا، كَوْنَهَا بِقُدْرَتِهِ، وَ ذَرَأَهَا بِمَشِيَّتِهِ، مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ مِنْهُ إِلَى تَكْوِينِهَا، وَ لَا فَائِدَةَ لَهُ فِي تَصْوِيرِهَا، إِلَّا تَنْبِيئًا لِحِكْمَتِهِ، وَ تَنْبِيهًا عَلَى طَاعَتِهِ، وَ إِظْهَارًا لِقُدْرَتِهِ، وَ تَعَبُّدًا لِبَرِيَّتِهِ، وَ إِعْزَازًا لِدَعْوَتِهِ، ثُمَّ جَعَلَ الثَّوَابَ عَلَى طَاعَتِهِ، وَ وَضَعَ الْعِقَابَ عَلَى مَعْصِيَتِهِ، زِيَادَةً [ذِيَادَةً] لِعِبَادِهِ عَنْ نِقْمَتِهِ وَ حِيَاشَةَ مِنْهُ إِلَى جَنَّتِهِ، وَ أَشْهَدُ أَنَّ أَبِي مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ، اخْتَارَهُ وَ انْتَجَبَهُ قَبْلَ أَنْ أُرْسَلَهُ، وَ سَمَّاهُ قَبْلَ أَنْ اجْتَبَلَهُ، وَ اصْطَفَاهُ قَبْلَ أَنْ ابْتَعَنَهُ، إِذِ الْخَلَائِقُ بِالْغَيْبِ مَكْنُونَةٌ، وَ بَسْتَرِ الْأَهَاوِيلِ مَصُونَةٌ، وَ بَيْنَاهِ الْعَدَمِ مَقْرُونَةٌ، عِلْمًا مِنَ اللَّهِ تَعَالَى بِمَا يَلِ [بِمَائِلِ] الْأُمُورِ، وَ إِحَاطَةً بِحَوَادِثِ الدُّهُورِ، وَ مَعْرِفَةً بِمَوَاقِعِ الْمُقْدُورِ، ابْتَعَنَهُ اللَّهُ تَعَالَى إِتْمَامًا لِلأَمْرِ، وَ عَزِيمَةً عَلَى إِمْضَاءِ حُكْمِهِ وَ إِفْنَادًا لِمَقَادِيرِ حَتْمِهِ، فَرَأَى الْأُمَّمَ فَرَقًا فِي أَدْيَانِهَا، عَكْفًا عَلَى نِيرَانِهَا، عَابِدَةً لِأَوْثَانِهَا، مُنْكَرَةً لِلَّهِ مَعَ عِرْفَانِهَا، فَأَنْارَ اللَّهُ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ ظَلَمَهَا، وَ كَشَفَ عَنِ الْقُلُوبِ بُهْمَهَا، وَ جَلَى عَنِ الْأَبْصَارِ غُمَّهَا، وَ قَامَ فِي النَّاسِ بِالْهِدَايَةِ، وَ أَنْقَذَهُمْ مِنَ الْغَوَايَةِ، وَ بَصَّرَهُمْ مِنَ الْعَمَايَةِ، وَ هَدَاهُمْ إِلَى الدِّينِ الْقَوِيمِ، وَ دَعَاهُمْ إِلَى الطَّرِيقِ الْمُسْتَقِيمِ،

(دنباله در انتهای ترجمه)

تمام زیبایی ها از خداوند است و تمام ستایش ها متعلق به اوست، این مطلب را با تفکر در نعمت‌هایی که داده است می توان دریافت کرد،

خوبی‌ها فقط برای توصیف اوست زیرا تمام نعمت‌هایی از آن بهره بردار هستیم سرچشمه اش به دست اوست، نعمت‌هایی که به فراوانی و تمام و کمال و پی در پی در اختیار انسان قرار داده است، نعمت‌ها و بهره‌هایی که نمی‌توان آنها را شمرد و تا ابد نمی‌توان آنها را جبران کرد و عمق آنها را هیچگاه نمی‌توان فهمید؛ نعمت‌هایی که مردم را به سوی شکر آنها دعوت کرده است تا بیشتر شوند و همیشگی باشند؛ نعمت‌هایی که از مردم خواسته است تا با دیدن فراوانی آنها، کمال و جمال او را ستایش کنند؛ نعمت‌هایی که خداوند بعد از کامل کردن آنها، مردم را به سوی دستیابی به سرچشمه آنها فرا خوانده است.

شهادت می دهم که جز الله، معبودی نیست و هیچ نظیری ندارد،

ای مردم! لا اله الا الله سخنی است که خداوند باطن آن را اخلاص قرار داد (یعنی توجه متمرکز فقط به او) و قابلیت رسیدن به آن را در قلب‌ها نهاد و قدرت اندیشه درباره آن را در فکرها ایجاد کرد.

خداوند موجودی است که چشم، توان دیدن او، و گفتار، توان توصیف او و ذهن، توان درک عمق وجود او را ندارد، او تمام اشیاء را از عدم به وجود آورد و آنها را بدون اینکه نمونه و سابقه قبلی داشته باشند، خلق کرد؛ او موجودات را با قدرت خود ایجاد کرد و با اراده خود رشد داد، بدون اینکه نیازی به آنها داشته باشد و یا فایده‌ای از خلق کردن آنها ببرد، او موجودات را خلق کرد فقط و فقط برای به ظهور رساندن قدرت و حکمتش و متوجه کردن موجودات به سوی اطاعتش، تا بندگانش او را بپرستند و دعوت او را اجابت کنند. خداوند برای اطاعتش، ثواب قرار داد و برای نافرمانیش عذاب مقرر نمود تا بندگانش از گرفتار شدن به خشم او کناره‌گیری کنند و به دنبال اتصال به او باشند.

شهادت می دهم که پدرم "محمد" بنده او و فرستاده اوست، فرستاده‌ای که قبل از فرستاده شدن، انتخاب شده بود و قبل از اینکه انتخاب شود مورد عنایت خداوند بود و قبل از اینکه مبعوث شود برگزیده او بود، او برگزیده شد وقتی که مخلوقات هنوز در علم غیب الهی به سر می‌بردند و در جلال و عظمت او قرار داشتند و در سر حد عدم بودند، خداوند او را این چنین برگزید،

خداوند سرانجام امور را دقیقاً می‌دانست و گردش روزگاران را تماماً در دست داشت و جایگاه هر امری را خوب می‌شناخت، خداوند او را برانگیخت زیرا می‌خواست که لطف خود را در مورد مخلوقات به نهایت برساند و فرمانش را کاملاً تثبیت کند و ظرف های رحمتش را فعال سازد.

خداوند مردم را پراکنده و متفرق دید، هر کسی به دنبال عقیده ای رفته و خود را به آتش خرافات آن سوزانده و بت هایی را می پرستد، مردمی که احساسی از خدا ندارند در حالی که خدای حقیقی را در فطرت خود می شناسند.

در چنین وضعیتی، خداوند پدرم "محمد" صلی الله علیه و آله را فرستاد تا با نور او ظلمت‌ها شکافته شود و نادانی قلب‌ها از بین برود و پرده‌ها از چشم‌ها کنار برود.

پدرم "محمد" بنده و فرستاده او، کمر به هدایت مردم بست و آنها را از گمراهی نجات داد و دیدگان آنها را از کوری رهایی و آنها را به سوی راه و روش صحیح زندگی سوق داد و به سوی کوتاه ترین و استوارترین راه دعوت کرد.

پس از اینکه او رسالت خود را به انجام رساند، خداوند او را به سوی خود برد، با مرگی اختیاری و با میل و با گذشت از هر چه غیر خداست.

او از سختی های این دنیا راحت شده و ملائکه عالی مقام الهی او را در خود گرفته اند و غرق در رضوان خداوند بخشنده، و همنشین آن سلطان با قدرت است. درود خداوند بر پدرم که پیامبر او و امین او و برگزیده او و بهترین مخلوقات اوست، سلام و رحمت و برکت خداوند بر او باد.

ای مردم! شریعت و امر و نهی خداوند بر شما نازل شد و شما کسانی هستید که مستقیماً دین او و وحی او به آنها رسیده است شما نسبت به انجام تکالیف از طرف خداوند موظف هستید و مسئول رساندن دین خدا به دیگر مردم نیز شما هستید.

کتاب گویای الهی و قرآن حقیقت گو و نور تابان و روشنایی درخشنده که عهده دار حق و محور اصلی آن است در میان شماست، چیزی که در مورد توجه به آن تعهد داده اید، آن مجموعه‌ای که پیامبر در میان شما باقی گذاشت؛ کتابی که حقایق

آن شفاف است و عمق آن بی نهایت است و ظاهر آن جذاب است؛ کتابی که کتاب‌های دیگر به آن رشک می‌برند؛ کتابی که تبعیت از آن انسان را به رضوان خدا می‌رساند، کتابی که توجه به معانی آن انسان را به نجات و رستگاری می‌رساند. به وسیله این کتاب است که دلائل روشن خداوند، قوانین روشن برای زندگی، محدوده‌های هشدار و خطر، نشانه‌های آشکار کننده حقیقت، استدلال‌های کافی، دستورات رشد و تعالی، فرصت‌های بی نظیر و برنامه‌های معین شده او به مردم می‌رسد. ای مردم! خداوند اموری را تکلیف و اموری را ممنوع فرمود؛ دلیل و فلسفه آنها این است:

۱. ایمان برای پاک شدن از شرک،
۲. نماز برای پاک شدن از خود بینی،
۳. زکات برای پاک شدن روزی،
۴. روزه برای استوار شدن پاکی‌ها،
۵. حج برای تقویت دین،
۶. عدل برای گرد آوردن قلب‌ها،
۷. پیروی از معصومین برای دستیابی به یک برنامه صحیح اجتماعی،
۸. رهبری معصومین برای جلوگیری از پراکندگی،
۹. جهاد برای حفظ برتری و استقلال اسلام،
۱۰. صبر برای دست یابی به بهترین بهره‌ها،
۱۱. امر به معروف برای برپایی مصلحت عمومی،
۱۲. احترام به پدر و مادر برای جلوگیری از خشم خداوند و اضطراب‌های خانوادگی،
۱۳. رفت و آمد با فامیل برای افزایش عمر و افزایش تعداد نفوس،

۱۴. **قصاص** برای جلوگیری از خون ریزی،

۱۵. **وفاء به نذر** برای ایجاد زمینه بخشش الهی،

۱۶. **حساب رسی دقیق** و کامل برای از بین بردن کمبودها،

۱۷. **نهی از شراب خواری** برای دور شدن از ناهنجاری ها،

۱۸. **توهین نکردن** برای جلوگیری از دور شدن از آرامش و کمال،

۱۹. **دزدی نکردن** برای استوار سازی حیا و عفت.

خداوند شرک را ممنوع کرد تا مردم با تمام وجود به سوی او بیایند و مدیریت مطلق او را بپذیرند، پس آنطور که شایسته عظمت اوست، احساس بندگی او را در قلب و دل خود فعال کنید، مبدا با حالتی غیر از این که خدا را با جان و دل پذیرفته باشید از این عالم رخت بر بندید، از خداوند در تمام قوانین اطاعت کنید و خوب متوجه باشید که فقط آگاهان و اندیشمندان هستند که عظمت خداوند را حس می کنند و در برابر آن عظمت خاضعند.

مردم بدانید که من فاطمه هستم و پدرم "محمد" رسول خداست. سخن اول و آخر من همین است و در آنچه میگویم اشتباه نمی کنم و آنچه انجام می دهم برخلاف حق نیست، فرستاده ای از بین خود شما برای شما آمد، فرستاده ای که مشکلات و سختی های شما برای او گران بود و نسبت به هدایت شما اشتیاق فراوان داشت و نسبت به کسانی که حق را قبول کرده بودند بسیار مهربان بود.

اگر خوب به او دقت کنید و روابط او را بررسی کنید، خواهید یافت که او پدر من بود نه پدر کس دیگر؛ او نزدیک ترین فرد به شوهر من بود نه فرد دیگر؛ و چه نسب شرافتمندانه ای! درود خدا بر او و خاندانش باد.

او رسالت خود را با اظهار هشدارها، دوری از شیوه مشرکان، جنگ با آنها، دعوت به سوی خدا با منطق و موعظه پسندیده کاملاً به انجام رساند، گویا هنوز اوست که مشغول شکستن بت ها و شکافتن فرق مشرکان است. او پایمردی کرد تا اینکه همه مشرکان فرار کردند و سیاهی شب شکافته شد و نور پدیدار شد و حق آشکار گشت و رهبر دین لب به سخن گشود و

هذیان شیطان از بین رفت و افراد دو رو نابود شدند و گره های کفر و اختلاف باز شد و شما به همراه عده ای که قدر آنها ناشناخته بود لب به سخن توحید گشودید.

شما در لبه پرتگاه آتش بودید و یک لقمه کوچک برای مهاجمان به حساب می آمدید، به راحتی مغلوب می شدید و زیر پا قرار داشتید؛ از برکه های آلوده آب می خوردید و پوست حیوانات را به دندان می کشیدید، بدبخت و بیچاره بودید، از هر طرف هراس داشتید اما خداوند به واسطه "محمد" صلی الله علیه و آله شما را نجات داد البته بعد از حوادث و وقایعی، و بعد از اینکه سرکردگان شرک و سرکردگان یهود و نصاری را از بین برد.

مخالفان، هر بار آتشی را برای جنگ می افروختند، اما خداوند خاموش می کرد و هرگاه اطرافیان شیطان ظهور و بروز می کردند و یا عده ای از مشرکین سر بلند می نمودند، رسول خدا، برادرش علی را در دهان فتنه می انداخت و او باز نمی گشت مگر اینکه آنها را زیر پا له کرده بود و با شمشیرش آتش آنها را خاموش نموده بود در حالیکه در نهایت توجه به ذات خداوند بود و برای به جریان انداختن اراده خدا تلاش می کرد و در نهایت نزدیکی به رسول خدا بود.

علی، سروری از یاران خداست، تلاشگری خیرخواه که با نهایت قوا تلاش می کند و در راه به انجام رساندن اراده خدا از هیچ چیز هراس ندارد.

در چنین مواقعی، شما چگونه بودید؟ شما در رفاه و آسایش آرمیده بودید، خوش بودید، منتظر بیچارگی ما بودید و اخبار مصیبت های ما را دنبال می کردید، هنگام جنگ عقب می کشیدید و فرار می کردید و وقتی خداوند پیامبر را به درگاه خود برد و از میان شما رفت در بین شما دشمنی های ناشی از دو روئی آشکار شد و پوشش ظاهری دین پاره گردید، و سکوت گمراهان شکسته شد و کسانی که کمترین ها بودند سربلند کردند، هیجان اهل باطل آغاز شد و شروع به گردش در میان شما کرد، شیطان سر از گودال خود بیرون آورد و شما را به سوی خود فراخواند و شما را کاملاً همراه و هم سوی با خود و مورد توجه خود و جستجوگر ریاست یافت.

شیطان زمینه های فعالیت شما را فراهم کرد و شما را مشتاق فعالیت دید؛ خون شما را به جوش آورد و شما را کاملاً تحت تأثیر غضب یافت. {ما هم فرمان او را اجرا کردید، به چیزهایی که متعلق به شما نبود دست اندازی کردید.

تمام این جریانات وقتی اتفاق افتاد که هنوز چند ماهی بیشتر از بیعتی که با علی در غدیر کردید نگذشته بود و سخنان رسول خدا هنوز در گوش های شما بود، زخم رحلت رسول خدا تازه بود و حتی هنوز رسول خدا را دفن نکرده بودند.

شما ادعا کردید که به خاطر جلوگیری از فتنه در سقیفه جمع شده اید، در حالیکه قطعاً آنهایی که در سقیفه جمع شدند خود عین فتنه بودند و عین آتش کفرطلبی.

واقعاً که از حقیقت دور بودید، عجب آدم هایی بودید، کجا می رفتید و چه می کردید! در حالیکه کتاب خدا در بین شما بود، مطالبش روشن، قوانینش شفاف، نشانه هایش آشکار، هشدارهایش نمایان و دستوراتش واضح، اما شما آن را کنار گذاشتید و بی اعتنائی کردید. آیا به خاطر بی میلی به قرآن است یا به خاطر تمایل به چیز دیگری است؟ واقعاً که اهل ظلم، بد انتخابی کردند و البته هر کس راه و روشی بجز تسلیم در برابر خداوند در پیش بگیرد از او پذیرفته نخواهد شد و قطعاً در عوالم بعدی جزو بازندگان خواهد بود.

شما حتی آنقدر صبر نکردید که شدت مصیبت رحلت رسول خدا کاسته شود و اوضاع روحی قدری آرام گیرد، خلافت را به دست گرفتید و تنور آن را داغ کردید و به فریادهای گمراه کننده شیطان با جان و دل پاسخ گفتید و شروع به خاموش کردن نورهای آشکار دین و فرهنگ خالص پیامبر کردید؛ به ظاهر اسم اسلام را بردید اما در حقیقت امیال نفسانی خود را اجرا کردید و برای فرزندان و خانواده پیامبر نقشه کشیدید و نیرنگ زدید، نیرنگی که مانند زخم خنجر و شکاف نیزه، عمیق است.

و الان همین شماها می گوید که ما خاندان پیامبر، ارثی نمی بریم، آیا دنبال قوانین جاهلیت هستید؟! چه قانونی بهتر از قانون خداوند؟ البته برای کسانی که خدا را باور دارند.

مگر شما این مطالب را نمی دانید؟! چرا خوب می دانید و مانند آفتاب برای شما روش است که من دختر پیامبر خدا هستم و از او ارث می بریم.

آی مسلمانان! ارث من، دختر پیامبر خدا را نمی دهند!

ای پسر ابی قحافه آیا کتاب خدا گفته است که تو از پدرت ارث ببری و من ارث نبرم؟! واقعاً که مطلب دروغی را طرح کرده ای. چرا آگاهانه کتاب خدا را کنار گذاشته اید و مورد بی اعتنایی قرار دادید مگر قرآن نمی گوید: "سلیمان از داوود ارث برد"؛ مگر قرآن در بیان جریانات یحیی نمی گوید: "خدایا به من فرزندی بده که وارث من و خاندان یعقوب باشد"؛ مگر قرآن نمی گوید: "در قانون الهی برخی از خانواده میت سهم بیشتری از دیگران دارند."، مگر قرآن نمی گوید: "خداوند سفارش فرزندان را به شما می کند که به پسران دو برابر دختران سهم بدهید." مگر قرآن نمی گوید: "اگر میت دارای اموالی بود، برای پدر و مادر خود و نزدیکانش سهم الارث بگذارد، این کار وظیفه ای است که اهل تقوی باید انجام دهند."

با این وجود شما فکر کردید که من هیچ بهره ای ندارم و ارثی از پدرم نمی برم و رابطه خانوادگی بین ما نیست؟! آیا خداوند آیه خاصی را برای شما نازل کرده است که ربطی به ارث پدر من دارد؟ یا شاید ما را از یهود و نصاری می دانید که ارث پدر مسلمان خود را نمی توانیم ببریم؟! آیا من و پدرم از یک دین و آیین نیستیم؟! آیا شما به قوانین و احکام قرآن آشناتر هستید یا پدر و شوهر من؟!

ای خلیفه! برو فدک را بردار، آماده و مهیا برای استفاده است، اما بدان که در محشر با تو روبرو خواهیم شد و البته بهترین قاضی خداست و بهترین مدعی بر علیه تو پیامبر اوست، وعده ما روز قیامت و زمانی که اهل باطل خود را بازنده خواهند یافت و آن وقت دیگر پشیمانی سودی ندارد، خواهید فهمید که چه کسی در عذاب خوار و ذلیل می شود و عذابی دائمی بر او فرود خواهد آمد.

حضرت رو به سوی انصار کرد و فرمود:

ای بزرگواران و یاوران مسلمانان، این کوتاهی درباره حق من چیست؟ چشم پوشی در برابر زورگویی به من، چرا؟ مگر رسول خدا صلی الله علیه و آله پدر من، دائم نمی فرمود که اگر می خواهی به کسی احترام بگذاری باید فرزندان او را محترم بشماری؟! چه زود تغییر نظر دادید و چقدر سریع حقایق خود را از دست دادید؟! شما می توانید آنچه را که حق من است و

برای گرفتن آن تلاش می کنم، بگیرید اما آیا خیال می کنید محمد صلی الله علیه و آله مرده و کار تمام شده است؟! این فکر، اشتباهی آشکار است که خطا آن بسیار بزرگ است و خرابی آن به بقیه امور نیز سرایت می کند.

زمین با رفتن پیامبر تاریک شد و خورشید و ماه به واسطه مصیبت او تیره شده اند و ستارگان پراکنده گشتند، آرزوها بر باد رفت، کوه ها لرزان شد، حریم پیامبر مورد دست درازی قرار گرفت و حرمتش هنگام رحلتش از بین رفت. به خدا قسم این همان بلای بزرگ و مصیبت غیرقابل تحمل بود که هیچ مصیبتی و هیچ بلای ناگهانی مانند آن نمی شد؛

مردن پیامبر خدا، چیزی است که قرآن، صبح و شب در اندرون خانه های شما، آن را فریاد زد و به انواع مختلف به گوش شما رساند؛ این امر چیزی است که برای پیامبران قبلی نیز پیش آمده بود. مرگ، قانون حتمی خداوند است و "محمد" نیز پیامبری است در ادامه پیامبران پیشین؛ آیا اگر از دنیا برود یا کشته شود شما باید به وضعیت گذشته خود باز گردید؟! البته اگر کسی این کار را انجام دهد هیچ گونه ضرری به خدا نخواهد رسید و خدا هم به کسانی که این گونه نباشند و به وظایف خود عمل کنند پاداش خواهند داد.

ای خانواده "قیله" عجب کاری می کنید! ارث پدرم را در برابر چشم و گوش شما و در جمع شما می خوردند و شما نظاره می کنید؟! ندای حق خواهی من همه شما را در بر می گیرد و فریاد مظلومیت من به همه شما می رسد. مگر شما افراد و امکانات ندارید؟! با ندای مظلوم و فریاد او روبرو هستید و پاسخی نمی دهید؟! شماها که معروف به شجاعت و خیر خواهی و حق جویی هستید، شما همان برگزیده از امت و انتخاب شده از بین آنها هستید، شما به خاطر ما اهل بیت با عرب جنگیدید و زحمتها را تحمل کردید و با ملت ها ستیز نمودید و با شجاعان نبرد کردید؛ شما که دائم تحت فرمان ما بودید! تا اینکه اسلام استقرار یافت و روزگار نعمت های خود را بر شما فرو ریخت و صدای شرک خاموش شد و هیجان باطل فرو نشست و آتش کفر سرد شد و ندای اضطراب ساکت شد و امور حق به جریان افتاد؛

چرا بعد از واضح شدن حقایق کنار کشیدید؟! و بعد از اعلام واقعیتها به چه دلیلی ساکت نشستید؟! و بعد از این همه تلاش به چه سبب دست بر دست گذاشته اید؟! و بعد از ایمان آوردن، حال چرا به دنبال شرک رفته اید؟! چه بدبخت هستند کسانی که

تعهدات خود را ندیده گرفته اند و به دنبال بیرون کردن رسول خدا بودند، آیا از آنها می ترسید؟! از خدا باید بترسید البته اگر خدا را باور دارید!

اما می بینم متاسفانه کسی را که باید کنار می گذاشتید بالا برده اید و کسی را که شایسته حکومت بود کنار گذاشته اید، شما به دنبال راحتی خود رفته اید و از مشکل فرار کرده اید و آنچه را تعهد کرده بودید رها کردید و اعتقادات خود را به راحتی رها کردید بدانید که اگر شما و تمام مردم روی زمین هم کافر شوند خداوند در مقام عظمت خود باقی خواهد بود!

خوب دقت کنید! من مطالبم را، با وجود شناختی که از کوتاهی شما و بی وفایی که دل‌های شما را در برگرفته است، داشتم گفتم؛ و این گفتن، نه برای کمک گرفتن از شما بود بلکه به واسطه لب ریز شدن غصه‌ها بود، برای فرو نشستن غضب بود، به خاطر کمر شکسته بود، و به دلیل سوز سینه بود.

بروید ارث مرا بردارید، سوارش شوید در حالی که پشتش زخمی است و توان باردهی به شما را ندارد؛ بروید کار خود را انجام دهید در حالی که ننگ آن تا ابد برایتان خواهد ماند و داغ غضب خداوند بر روی آن باقی خواهد بود و به آتش خداوند که بر دل‌ها شعله می گیرد وصل خواهد شد.

آنچه می کنید در برابر دیدگان خداوند است و کسانی که ظلم کردند خواهند دید که به چه عاقبتی مبتلا می شوند، من دختر همان هشدار دهنده به شما در مورد عذاب سخت هستم، شما کار خود را بکنید ما هم به کار خود مشغول هستیم، شما منتظر نتیجه اعمال خود باشید ما هم منتظر هستیم.^۳

ثُمَّ قَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ قَبْضَ رَأْفَةٍ وَ اخْتِيَارٍ، وَ رَغَبَةٍ وَ إِثَارٍ بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَنْ تَعَبِ هَذِهِ الدَّارِ فِي رَاحَةٍ، قَدْ خُفِّ بِالْمَلَائِكَةِ الْأَبْرَارِ، وَ رِضْوَانِ الرَّبِّ الْغَفَّارِ، وَ مُجَاوَرَةِ الْمَلِكِ الْجَبَّارِ، صَلَّى اللَّهُ عَلَى أَبِي نَبِيٍّ وَ أَمِينِهِ عَلَى الْوَحْيِ وَ صَفِيٍّ وَ خَيْرَتِهِ مِنَ الْخَلْقِ وَ رِضِيِّهِ، وَ السَّلَامُ عَلَيْهِ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ .

ثُمَّ التَّفَتَتْ إِلَى أَهْلِ الْمَجْلِسِ، وَ قَالَتْ: أَنْتُمْ عِبَادُ اللَّهِ نُصِبُ أَمْرَهُ وَ نَهْيَهُ، وَ حَمَلُهُ دِينَهُ وَ وَحْيِهِ، وَ أَمْنَاءُ اللَّهِ عَلَى أَنْفُسِكُمْ، وَ بَلَاغَةُ إِلَى الْأَمَمِ، وَ زَعْمَتُمْ حَقٌّ لَكُمْ لِلَّهِ فِيكُمْ عَهْدٌ قَدَمَهُ إِلَيْكُمْ، وَ بَقِيَّةٌ اسْتَخْلَفَهَا عَلَيْكُمْ، كِتَابُ اللَّهِ النَّاطِقُ، وَ الْقُرْآنُ الصَّادِقُ، وَ النُّورُ السَّاطِعُ، وَ الضِّيَاءُ اللَّامِعُ، بَيْنَهُ بَصَائِرُهُ، مُنْكَشِفَةٌ سَرَائِرُهُ، مُتَجَلِّيَةٌ ظَوَاهِرُهُ، مُغْتَبِطَةٌ بِهِ أَشْيَاعُهُ، قَائِدٌ إِلَى الرِّضْوَانِ اتِّبَاعُهُ،

مُؤدِّ إِلَى النَّجَاهِ إِسْمَاعُهُ، بِهِ تَنَالُ حُجُجُ اللَّهِ الْمُنَوَّرَةُ، وَ عَزَائِمُهُ الْمُفَسَّرَةُ، وَ مَحَارِمُهُ الْمُحَذَّرَةُ، وَ بَيِّنَاتُهُ الْجَالِيَّةُ، وَ بَرَاهِينُهُ الْكَافِيَةُ، وَ فِضَائِلُهُ الْمُنْدُوبَةُ، وَ رُحَصُهُ الْمَوْهُوبَةُ، وَ شَرَائِعُهُ الْمَكْتُوبَةُ، فَجَعَلَ اللَّهُ الْإِيمَانَ تَطْهِيراً لَكُمْ مِنَ الشَّرْكِ، وَ الصَّلَاةَ تَنْزِيهاً لَكُمْ عَنِ الْكِبْرِ، وَ الزَّكَاةَ تَزْكِيَةً لِلنَّفْسِ، وَ نَمَاءً فِي الرِّزْقِ، وَ الصِّيَامَ تَثْبِيثاً لِلْإِخْلَاصِ، وَ الْحَجَّ تَشْيِيداً لِلدِّينِ، وَ الْعَدْلَ تَنْسِيْقاً لِلْقُلُوبِ، وَ طَاعَتَنَا نِظَاماً لِلْمَلَّةِ، وَ إِمَامَتَنَا أَمَاناً مِنَ الْفُرْقَةِ، وَ الْجِهَادَ عِزّاً لِلْإِسْلَامِ، وَ الصَّبْرَ مَعُونَةً عَلَى اسْتِجَابِ الْأَجْرِ، وَ الْأَمْرَ بِالْمَعْرُوفِ مَصْلِحَةً لِلْعَامَّةِ، وَ بَرَّ الْوَالِدَيْنِ وَفَايَهُ مِنَ السَّخَطِ، وَ صِلَةَ الْأَرْحَامِ مَنَامَةً لِلْعَدَدِ، وَ الْقِصَاصَ حَقْنًا لِلدَّمَاءِ، وَ الْوَفَاءَ بِالنَّذْرِ تَعْرِيضاً لِلْمَغْفِرَةِ، وَ تَوْفِيَةَ الْمَكَائِلِ وَ الْمَوَازِينَ تَغْيِيراً لِلْبَخْسِ، وَ النَّهْيَ عَنِ شُرْبِ الْخَمْرِ تَنْزِيهاً عَنِ الرَّجْسِ، وَ اجْتِنَابَ الْقَذْفِ حِجَاباً عَنِ اللَّعْنَةِ، وَ تَرْكَ السَّرْقَةِ إِجْبَاباً لِلْعَفَّةِ، وَ حَرَّمَ اللَّهُ الشَّرْكَ إِخْلَاصاً لَهُ بِالرُّبُوبِيَّةِ، فَ اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تَقَاتِهِ وَ لَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ، وَ أَطِيعُوا اللَّهَ فِيْمَا أَمَرَكُمْ بِهِ وَ نَهَاكُمْ عَنْهُ فَإِنَّهُ إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ .

ثُمَّ قَالَتْ: أَيُّهَا النَّاسُ! اغْلَمُوا أَنِّي فَاطِمَةُ وَ أَبِي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَقُولُ عَوْدًا وَ بَدْءًا، وَ لَا أَقُولُ مَا أَقُولُ غَلْطًا، وَ لَا أَفْعَلُ مَا أَفْعَلُ شَطَطًا لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ، فَإِنْ تَعَزَّوهُ وَ تَعْرِفُوهُ تَجِدُوهُ أَبِي دُونَ نِسَائِكُمْ، وَ أَخَا ابْنِ عَمِّي دُونَ رِجَالِكُمْ، وَ لِنِعْمِ الْمَعْزَى إِلَيْهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ، فَبَلَغَ الرَّسَالَهَ، صَادِعاً بِالنَّذَارَةِ، مَاثِلاً عَنِ مَدْرَجَةِ الْمُشْرِكِينَ، ضَارِباً تَبْجَهْمُ، آخِذاً بِأَكْظَامِهِمْ، ذَاعِياً إِلَى سَبِيلِ رَبِّهِ بِالْحِكْمَةِ وَ الْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ، يَكْسِرُ الْأَصْنَامَ، وَ يَنْكُثُ الْأَهَامَ، حَتَّى انْهَزَمَ الْجَمْعُ وَ وَكَلُوا الدُّبْرَ، حَتَّى تَفَرَّى اللَّيْلُ عَنِ صُبْحِهِ، وَ أَسْفَرَ الْحَقُّ عَنِ مَخْضِهِ، وَ نَطَقَ زَعِيمُ الدِّينِ، وَ خَرَسَتْ شَفَاشِقُ الشَّيَاطِينِ، وَ طَاحَ وَشِيْطُ النِّفَاقِ، وَ انْحَلَّتْ عُقْدُ الْكُفْرِ وَ الشَّقَاقِ، وَ فَهَتَمَ بِكَلِمَةِ الْإِخْلَاصِ فِي نَفَرٍ مِنَ الْبَيْضِ الْخِمَاصِ، وَ كُنْتُمْ عَلَى شَفَا حُفْرَةٍ مِنَ النَّارِ، مُذَقَّةَ الشَّارِبِ، وَ نُهْزَةَ الطَّامِعِ، وَ قَبْسَةَ الْعَجْلَانَ، وَ مَوْطِئَ الْأَقْدَامِ، تَشْرَبُونَ الطَّرْقَ، وَ تَقْتَاتُونَ الْوَرْقَ، أذَلَّهُ خَاسِيَيْنِ، تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ مِنْ حَوْلِكُمْ، فَانْقَذَكُمُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَ تَعَالَى بِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ بَعْدَ اللَّتْيَا وَ اللَّتْيَا، وَ بَعْدَ أَنْ مَنَى بِهِمُ الرَّجَالِ، وَ ذُؤْبَانَ الْعَرَبِ، وَ مَرَدَةَ أَهْلِ الْكِتَابِ كُلِّمَا أَوْقَدُوا نَاراً لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ، أَوْ نَجَّمَ قَرْنَ لِلشَّيْطَانِ، وَ فَعَرَّتْ فَاعِرَةً مِنَ الْمُشْرِكِينَ، قَذَفَ أَخَاهُ فِي لَهَوَاتِهَا، فَلَا يَنْكَفِي حَتَّى يَطَأَ صِمَاحَهَا بِأَحْمَصِهِ، وَ يُخَمِدَ لَهَبَهَا بِسَيْفِهِ، مَكْدُوداً فِي ذَاتِ اللَّهِ، وَ مُجْتَهِداً فِي أَمْرِ اللَّهِ، قَرِيباً مِنْ رَسُولِ اللَّهِ، سَيِّدِ أَوْلِيَاءِ اللَّهِ، مُشْمِراً نَاصِحاً، مُجِداً كَادِحاً، وَ أَنْتُمْ فِي رَفَاهِيهِ مِنَ الْعَيْشِ، وَادِعُونَ فَاكِهُونَ آمِنُونَ، تَتَرَبَّصُونَ بِنَا الدَّوَابِرِ، وَ تَتَوَكَّفُونَ الْأَخْبَارَ، وَ تَتَكَيَّفُونَ عِنْدَ النَّزَالِ، وَ تَفِرُّونَ عِنْدَ الْقِتَالِ، فَلَمَّا اخْتَارَ اللَّهُ لِنَبِيِّهِ دَارَ أَنْبِيَائِهِ، وَ مَأْوَى أَصْفِيَائِهِ، ظَهَرَ فِيكُمْ حَسِيكَةُ النِّفَاقِ، وَ سَمَلُ جَلْبَابِ الدِّينِ، وَ نَطَقَ كَاطِمُ الْعَاوِينَ، وَ نَبَغَ خَامِلُ الْأَقْلِينَ، وَ هَدَرَ فَنِيقُ الْمُبْطَلِينَ، فَخَطَرَ فِي عَرَصَاتِكُمْ، وَ أَطْلَعَ الشَّيْطَانُ رَأْسَهُ مِنْ مَغْرَزِهِ هَاتِفاً بِكُمْ، فَأَلْفَاكُمْ لِذَعْوَتِهِ مُسْتَجِيبِينَ، وَ لِلْغِرَةِ فِيهِ مُلَاحِظِينَ، ثُمَّ اسْتَنْهَضَكُمْ فَوَجَدَكُمْ خِيفَاءً، وَ أَحْمَشَكُمْ فَأَلْفَاكُمْ غِضَاباً، فَوَسَمْتُمْ غَيْرَ إِبِلِكُمْ، وَ أوردْتُمْ غَيْرَ شَرِبِكُمْ، هَذَا وَ الْعَهْدُ قَرِيبٌ، وَ الْكَلْمُ رَحِيبٌ، وَ الْجُرْحُ لَمَّا يَنْدَمِلُ، وَ الرَّسُولُ لَمَّا يُقْبَرُ، ائْتِدَاراً زَعَمْتُمْ خَوْفَ الْفِتْنَةِ إِلَّا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا وَ إِنْ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ،

فَهَيْهَاتَ مِنْكُمْ! وَ كَيْفَ بِكُمْ؟! وَ أَنَّى تُؤْفَكُونَ؟ وَ كِتَابُ اللَّهِ بَيْنَ أَظْهَرِكُمْ، أُمُورُهُ ظَاهِرَةٌ، وَ أَحْكَامُهُ زَاهِرَةٌ، وَ أَعْلَامُهُ بَاهِرَةٌ، وَ زَوَاجِرُهُ لَانِحَةٌ، وَ أَوَامِرُهُ وَاضِحَةٌ، قَدْ خَلَفْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ، أُرْعَبُهُ عَنْهُ تُرِيدُونَ...؟، أَمْ بَعِيرِهِ تَحْكُمُونَ؟! بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا، وَ مَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ، ثُمَّ لَمْ تَلْبَثُوا إِلَّا رَيْثَ أَنْ تَسْكُنَ نَفْسُهَا، وَ يَسْلَسَ قِيَادَهَا، ثُمَّ أَخَذْتُمْ تُورُونَ وَقَدْتَهَا، وَ تَهَيَّجُونَ جَمْرَتَهَا، وَ تَسْتَجِيبُونَ لِهُتَافِ الشَّيْطَانِ الْغَوِيِّ، وَ إِطْفَاءِ أَنْوَارِ الدِّينِ الْجَلِيِّ، وَ إِهْمَادِ سُنَنِ النَّبِيِّ الصَّفِيِّ، تُسِرُّونَ حَصَوًا [تَشْرَبُونَ حَسَوًا] فِي ارْتِعَاءٍ، وَ تَمْشُونَ لِأَهْلِهِ وَ وُلْدِهِ فِي الْخَمْرِ وَ الضَّرَاءِ، وَ نَصْبِرُ مِنْكُمْ عَلَى مِثْلِ حَزِّ الْمُدَى، وَ وَخِزِ السِّنَانِ فِي الْحَشَا، وَ أَنْتُمْ تَزْعُمُونَ أَلَّا إِرْثَ لَنَا أَوْ فَحْكَمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْعُونَ وَ مَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ أَوْ فَلَا تَعْلَمُونَ؟! بَلَى، تَجَلَّى لَكُمْ كَالشَّمْسِ الضَّاحِيَةِ أَنَّى ابْتَدَأَتْ أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ، أَوْ أُغْلِبَ عَلَى إِرْثِي؟! يَا ابْنَ أَبِي قُحَافَةَ، أَوْ فِي كِتَابِ اللَّهِ أَنْ تَرِثَ أَبَاكَ وَ لَّا إِرْثَ أَبِي؟! لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا فَرِيًّا أَوْ فَعَلَى عَمْدٍ تَرَكْتُمْ كِتَابَ اللَّهِ وَ نَبَذْتُمُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ إِذْ يَقُولُ: وَ وَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُدَ؟! وَ قَالَ فِيمَا اقْتَصَّ مِنْ خَبَرِ يَحْيَى بْنِ زَكَرِيَّا (عَلَيْهِ السَّلَامُ) إِذْ قَالَ: رَبِّ فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا يَرِثُنِي وَ يَرِثُ مِنْ آلِ يَعْقُوبَ، وَ قَالَ: وَ أُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَى بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ، وَ قَالَ: يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ لِلْأُنثَى، وَ قَالَ: إِنْ تَرَكَ خَيْرًا الْوَصِيَّةُ لِلْأُولَادِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ، وَ زَعَمْتُمْ أَلَّا حُطْوَةٌ لِي وَ لَّا إِرْثٌ مِنْ أَبِي وَ لَّا رَحِمٌ بَيْنَنَا، أَوْ فَخَصَّكُمْ اللَّهُ بِآيَةٍ أَخْرَجَ مِنْهَا أَبِي صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله؟! أَمْ هَلْ تَقُولُونَ أَهْلُ مِلَّتَيْنِ لَّا يَتَوَارَثَانِ؟!، أَوْ لَسْتُ أَنَا وَ أَبِي مِنْ أَهْلِ مِلَّةٍ وَاحِدَةٍ؟! أَمْ أَنْتُمْ أَغْلَمُ بِخُصُوصِ الْقُرْآنِ وَ عُمُومِهِ مِنْ أَبِي وَ ابْنِ عَمِّي؟! فَذُونَكُمَا [فَذُونَكُمَا] مَخْطُومَةٌ مَرْحُومَةٌ تَلْقَاكَ يَوْمَ حَشْرِكَ، فَنِعْمَ الْحَكْمُ اللَّهُ، وَ الزَّعِيمُ مُحَمَّدٌ، وَ الْمَوْعِدُ الْقِيَامَةُ، وَ عِنْدَ السَّاعَةِ مَا تَخْسَرُونَ، وَ لَّا يَنْفَعُكُمْ إِذْ تَتَدَمَّوْنَ، وَ لِكُلِّ نَبِيٍّ مُسْتَقَرٌّ وَ سَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَ يَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُقِيمٌ،

ثُمَّ رَمَتْ بِطَرْفِهَا نَحْوَ الْأَنْصَارِ فَقَالَتْ: يَا مَعَاشِرَ الْفِتْيَةِ وَ أَعْضَادَ الْمِلَّةِ، وَ أَنْصَارَ الْإِسْلَامِ، مَا هَذِهِ الْعَمِيزَةُ فِي حَقِّي، وَ السَّنَةُ عَنْ ظُلَامَتِي، أَوْ مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله أَبِي يَقُولُ: الْمَرْءُ يُحْفَظُ فِي وُلْدِهِ، سَرْعَانَ مَا أُخْدِثْتُمْ، وَ عَجَلَانَ ذَا إِهَالِهِ، وَ لَكُمْ طَاقَةٌ بِمَا أَحَاوَلُ، وَ قُوَّةٌ عَلَى مَا أُطْلِبُ وَ أَزَاوَلُ، أَوْ تَقُولُونَ مَاتَ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آله، فَخَطَبُ جَلِيلٌ اسْتَوْسَعَ وَهْنَهُ، وَ اسْتَنْهَرَ فَتَقَهُ، وَ انْفَتَقَ رَتَقَهُ، وَ أَظْلَمَتِ الْأَرْضُ لِغَيْبَتِهِ، وَ كَسِفَتِ النُّجُومُ لِمُصِيبَتِهِ، وَ أَكْدَتِ الْأَمَالُ، وَ خَشَعَتِ الْجِبَالُ، وَ أَضْيَعَ الْحَرِيمُ، وَ أَرِيَلَتِ الْحُرْمَةُ عِنْدَ مَمَاتِهِ، فَتِلْكَ وَ اللَّهُ النَّارِلَةُ الْكُبْرَى، وَ الْمُصِيبَةُ الْعُظْمَى، لَّا مِثْلَهَا نَازِلَةٌ، وَ لَّا بَائِقَةٌ عَاجِلَةٌ، أَعْلَنَ بِهَا كِتَابُ اللَّهِ جَلَّ ثَنَاؤُهُ فِي أَفْنِيَّتِكُمْ فِي مُمْسَاكُمُ وَ مُصْبِحِكُمْ، هَتَافًا وَ صُرَاحًا، وَ تِلَاوَةً وَ إِحْنَانًا، وَ لَقَبْلَهُ مَا حَلَّ بِأَنْبِيَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، حُكْمٌ فَضْلٌ وَ قَضَاءٌ حَتْمٌ، وَ مَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَوْ فِينِ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَى أَعْقَابِكُمْ وَ مَنْ يَنْقَلِبْ عَلَى عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللَّهَ شَيْئًا وَ سَيَجْزِي اللَّهُ الشَّاكِرِينَ .

إِيَّاهَا بَنِي قَيْلَةَ! أَمْ أَهْضِمَ تُرَاثُ أَبِي وَ أَنْتُمْ بِمَرَأَى مِنِّي وَ مَسْمَعٍ، وَ مَبْتَدٍ [مُتَّدَى] وَ مَجْمَعٍ؟، تَلْبَسُكُمْ الدَّعْوَةُ، وَ تَشْمَلُكُمْ الْخَبْرَةُ، وَ أَنْتُمْ ذَا الْعَدَدِ وَ الْعُدَّةِ، وَ الْأَدَاةِ وَ الْقُوَّةِ، وَ عِنْدَكُمْ السَّلَاحُ وَ الْجُنَّةُ، تُوَافِيكُمْ الدَّعْوَةُ فَلَا تُجِيبُونَ، وَ تَأْتِيكُمْ الصَّرْحَةُ فَلَا تُغِيثُونَ، وَ أَنْتُمْ مَوْصُوفُونَ بِالْكَفَاحِ، مَعْرُوفُونَ بِالْخَيْرِ وَ الصَّلَاحِ، وَ النَّجْبَةِ الْبَيِّنَاتِجِبَتِ، وَ الْخَيْرَةِ الَّتِي اخْتِيرَتْ، قَاتَلْتُمُ الْعَرَبَ، وَ تَحَمَّلْتُمُ الْكَدَّ وَ التَّعَبَ، وَ نَاطَحْتُمُ الْأُمَّمَ، وَ كَافَحْتُمُ الْبُهَمَ، فَلَا نَبْرَحُ أَوْ تَبْرَحُونَ، نَأْمُرُكُمْ فَتَأْتِمُرُونَ، حَتَّى إِذَا دَارَتْ بِنَا رَحَى الْإِسْلَامِ، وَ دَرَّ حَلَبُ الْأَيَّامِ، وَ خَضَعَتْ ثَغْرَةُ [نَعْرَةُ] الشَّرْكِ، وَ سَكَتَتْ فَوْزَةُ الْإِفْكِ، وَ خَمَدَتْ نِيرَانُ الْكُفْرِ، وَ هَدَّاتِ دَعْوَةُ الْهَرَجِ، وَ اسْتَوْسَقَ نِظَامُ الدِّينِ، فَأَنَّى حُرْتُمْ بَعْدَ الْبَيَانِ، وَ أَسْرَرْتُمْ بَعْدَ الْإِعْلَانِ، وَ نَكَصْتُمْ بَعْدَ الْإِقْدَامِ، وَ أَشْرَكْتُمْ بَعْدَ الْإِيْمَانِ أَلَا تَقَاتِلُونَ قَوْمًا نَكَّثُوا إِيمَانَهُمْ وَ هَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ وَ هُمْ بَدْوُكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ أَمْ تَخْشَوْنَهُمْ فَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ أَلَا قَدْ أَرَى أَنْ قَدْ أَخْلَدْتُمْ إِلَى الْخَفْضِ، وَ أْبْعَدْتُمْ مَنْ هُوَ أَحَقُّ بِالْبَسْطِ وَ الْقَبْضِ، وَ خَلَوْتُمْ بِاللَّدَعَةِ، وَ نَجَوْتُمْ مِنَ الضِّيقِ بِالسَّعَةِ، فَمَجَجْتُمْ مَا وَعَيْتُمْ، وَ دَسَعْتُمْ الَّذِي تَسَوَّعْتُمْ، ف: إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَ مَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ أَلَا وَ قَدْ قُلْتُ مَا قُلْتُ عَلَى مَعْرِفَةٍ مِنِّي بِالْخَذَلَةِ الَّتِي خَامَرْتَكُمْ، وَ الْغَدْرَةَ الَّتِي اسْتَشَعَرْتَهَا قُلُوبُكُمْ، وَ لَكِنَّهَا فَيْضَةُ النَّفْسِ، وَ نَفْتَةُ الْغَيْظِ، وَ خَوْزُ الْقَنَا، وَ بَثَّةُ الصَّدْرِ، وَ تَقْدِمَةُ الْحُجَّةِ، فَدُونَكُمْوهَا فَاحْتَقِبُوهَا دَبْرَةَ الظَّهْرِ، نَقِبَةَ الْخُفِّ، بَاقِيَةَ الْعَارِ، مَوْسُومَةَ بَغْضَبِ اللَّهِ وَ شِنَارِ الْأَبَدِ، مَوْصُولَةً ب: نَارُ اللَّهِ الْمُوقَدَةُ الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْنِدَةِ فَبِعَيْنِ اللَّهِ مَا تَفْعَلُونَ وَ سَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ وَ أَنَا ابْنُهُ نَذِيرٌ لَكُمْ بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ فَاعْمَلُوا... إِنَّا عَامِلُونَ وَ انْتظِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ .